

جغرافیا و توسعه شماره ۲۱ بهار ۱۳۹۰

وصول مقاله : ۱۳۸۸/۵/۲۸

تأیید نهایی : ۱۳۸۸/۹/۲۸

صفحات : ۱۵۹-۱۸۰

بررسی نقش تنوع اجتماعی در ایجاد شهرهای خلاق و نوآور

مورد مطالعه : شهر اصفهان^۱

دکتر رسول ربانی

استاد علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

دکتر علی ربانی خوراسگانی

دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

احمد مؤذنی

دانشجوی دکتری علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

دکتر مهدی ادیبی سده

استادیار علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

چکیده

این پژوهش به بررسی جایگاه تنوع اجتماعی در ایجاد شهرهای خلاق و نوآور می‌پردازد. تنوع اجتماعی که از شاخص‌های سنجش مدارا در یک منطقه به حساب می‌آید، مبحثی جدید و مورد توجه در حوزه مطالعات شهری بوده و بر نقش مشارکت فعال و خلاق گروه‌های قومی، نژادی و مهاجر در شهر و ادغام و ذوب آنان در جامعه‌ی میزبان تأکید دارد. با توجه به اینکه مفهوم تنوع اجتماعی در ایران و نحوه سنجش آن با دیگر جوامع به لحاظ مفهومی و مصداقی متفاوت بوده، هدف این نوشتار که با استفاده از روش تحلیل داده‌های ثانویه و به صورت بحث مفهومی و تحلیلی با استفاده از آمارهای موجود کشوری و استانی ایران انجام گرفته، به موقعیت و پتانسیل شهر اصفهان از لحاظ وجود عنصر تنوع اجتماعی پرداخته است. در همین راستا درصدهای حضور مهاجرین و غیربومی‌ها، به عنوان شاخص ذوب فرهنگی و نیز تنوع زبانی در جمعیت مورد بررسی قرار گرفته است. بر طبق نتایج، استان اصفهان از لحاظ درصد مهاجرپذیری در بین استان‌های ایران در رتبه‌ی دهم قرار داشته و رتبه‌ی سوم را پس از استان‌های تهران و خراسان رضوی، در میزان حضور افراد غیربومی (متولدین جای دیگر) به خود اختصاص داده است. در میان شهرستان‌های استان اصفهان، شهر اصفهان، بالاترین درصد مهاجرپذیری را داشته، اما از لحاظ درصد افراد غیربومی در میان شهرستان‌های استان، از رتبه‌ی سوم برخوردار است. همچنین شهر اصفهان از تنوع زبانی برخوردار نیست. به طور کلی شهر اصفهان، بر طبق آمارها و به لحاظ کمی و صوری از شهرهای مهاجرپذیر ایران به حساب آمده و پتانسیل حرکت به سمت شهر خلاق و نوآور را داراست.

کلیدواژه‌ها: شهر خلاق، جامعه دانایی، مدارا، تنوع اجتماعی، ذوب فرهنگی.

مقدمه

"شهرها ظرف‌های^۲ خلاقیت هستند و همیشه چرخ‌های حرکت، تمرکز و هدایت انرژی خلاق بشر بوده‌اند (Florida, 2005:1). بیشتر ادبیاتی که در زمینه‌ی شهرهای خلاق و نوآور

۱- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان می‌باشد.

به نگارش درآمده‌اند، تنها به نقش خلاقیت در رشد و شکل‌دهی به شهر نپرداخته‌اند، بلکه بیشتر بر این تأکید دارند که با حذف محدودیت‌ها و موانع (فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و...) از شهرها، خلاقیت تبدیل به نیروی محرکه‌ی رشد و توسعه‌ی اقتصادی شهرها، مناطق و ملت‌ها خواهد شد.

از طرفی مسأله‌ی خلاقیت و نوآوری، در ادبیات توسعه، امروزه در زمینه‌های مختلفی طرح و بررسی می‌گردد. در توسعه‌ی دانایی محور به‌طور کلی و در جامعه و اقتصاد دانایی به‌طور خاص خلاقیت، نوآوری و تولید معنای جدید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با کمی تسامح می‌توان ظهور شهرهای دانایی، جامعه دانایی و اقتصاد دانایی را مترادف با ظهور شهرهای خلاق دانست. به‌بیانی دیگر، شهرهای خلاق مکان‌های اصلی رشد جامعه و اقتصاد دانایی و به‌طور کلی تولید دانش هستند. از جمله سرمایه‌ها و دارایی‌های جامعه دانایی مردم به‌عنوان حاملان دانش ضمنی یا عبارت دیگر سرمایه‌های انسانی و خلاق هستند. بنابراین حرکت به سمت جامعه دانایی، حرکت به سمت شکل‌گیری شهرهای خلاق در تولید دانش نیز به حساب می‌آید.

برای جذب سرمایه‌های انسانی و خلاق، شهرها و مناطق وابسته به آن باید ویژگی‌های خاص داشته باشند که بتوانند به شهر خلاق تبدیل شوند. غیر از بسترهای دانش (دانشگاه‌ها و...)، صنعت و به ویژه صنایع با فن‌آوری برتر، بسترهای اجتماعی و فرهنگی چون، تنوع اجتماعی، مطلوبیت محل زندگی، کیفیت زندگی، برابری اجتماعی (Winden & et al, 2007) و (Florida: 2005)، جایگاه مهمی به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر جذب سرمایه‌های خلاق در یک شهر، هنر و فرهنگ به‌عنوان شاخصی دیگر برای شهرهای خلاق به‌شمار می‌آیند. به‌عنوان نمونه ژان‌رمی^۱ شهر را دارای نظم و انسجام فرهنگی همراه با نوآوری و پیشرفت می‌داند (ربانی، ۱۳۸۵: ۲). برای حرکت به سمت جامعه و اقتصاد دانایی، بسترهای شهری باید شرایط جذب نیروی انسانی خلاق و نوآور (طبقه خلاق) و بنیان‌های دانش را دارا باشند. از جمله‌ی این بسترهای اجتماعی و فرهنگی بحث تنوع اجتماعی است که این نوشتار بدان پرداخته است. با توجه به برنامه‌ی نظری این نوشتار اهمیت و ضرورت بررسی بسترهای شهرهای خلاق می‌تواند به دلایل زیر قابل طرح باشد:

- جایگاه شهر به‌عنوان محل شکل‌گیری بسترهای جامعه دانایی؛
- اهمیت و محور بودن شهرها در توسعه اقتصادی (اقتصاد دانایی)؛
- جایگاه و اهمیت شهر به‌عنوان یکی از الزامات اساسی تشکیل خوشه‌های علم و فن‌آوری؛
- نقش و جایگاه شهرها در جذب، استفاده و حفظ سرمایه‌های انسانی خلاق (طبقه خلاق)؛

1- Jean Remy

بحث نظری

- مفهوم شهر خلاق^۱: شهر خلاق به صورت متنوع و وسیع به کار رفته است. در یک مفهوم شهرهای خلاق، شهرهایی هستند که قادرند راه‌حل‌های جدیدی برای مشکلات روزمره‌شان ارائه دهند. مفهوم دیگر شهرهای خلاق، بر تولیدات فرهنگی متمرکز است؛ یعنی تولید کالاها و خدمات فرهنگی با فعالیت‌هایی در ارتباط قرار می‌گیرند که مرکز خلاقیت به حساب می‌آیند. مفهوم دیگر بر ظرفیت و توانایی شهر بر جذب سرمایه انسانی خلاق تأکید می‌کند. در بسیاری از متون مربوط به شهر خلاق، فهم پایداری و پویایی‌های جریان کاربرد دانش^۲ مورد تأکید قرار گرفته است. مفهوم شهرهای خلاق، با بسیاری از مفاهیم دیگر پیوند خورده است. از جمله آن می‌توان به صنایع خلاق^۳، صنایع فرهنگی^۴، فعالیت‌های فرهنگی^۵ و فعالیت‌های هنری^۶ (Costa & et al, 2007) شهر و اقتصاد دانایی اشاره نمود. نویسندگانی چون چالرز لندری^۷، ریچارد فلوریدا و ریچارد کیوز^۸ و... سهم بارزی در گسترش و پیشرفت این مفاهیم در دهه‌های ۱۹۹۰ به بعد داشته‌اند. به طور کلی چارچوب نظری این نوشتار بر دو محور اساسی شهرهای خلاق بنا شده است:

نخست، محوریت مفهوم شهر خلاق بر اساس این ایده است که خلاقیت محوری برای توسعه‌ی شهر است. این محور در ارتباط با "رویکرد محیط نوآور" و رشد و توسعه‌ی اقتصادی شهرها مورد بررسی قرار گرفته است. دوم، مفهوم شهر خلاق به عنوان مکانی دارای ظرفیت جذب سرمایه‌های انسانی یا منابع انسانی خلاق. ریچارد فلوریدا به جای آن ایده‌ی طبقه‌ی خلاق^۹ را به کار می‌برد. دیدگاه بر این فرض استوار است که منبع تعیین‌کننده در رقابت‌پذیری و رشد منطقه‌ای، توجه به نقش قطعی طبقه‌ی خلاق در توسعه و بازآفرینی فرآیندهای شهری در بسیاری از شهرهاست. از طرفی دیگر نوآوری و خلاقیت، از محورهای اصلی شکل‌گیری جامعه دانایی به حساب می‌آید.

-
- 1- Creative City
 - 2- Knowledge
 - 3- Creative Industries
 - 4- Cultural Industries
 - 5- Cultural activities
 - 6- Artistic activity
 - 7- Charles Landry
 - 8- Richard Caves
 - 9- Creative Class

- رویکرد محیط نوآور^۱

این رویکرد نوآوری را در یک بافت چندگانه متشکل از عوامل متعدد مورد بررسی قرار می‌دهد. برخی از این عوامل عبارتند از: عوامل سازمانی چون دانش عملی و عوامل منطقه‌ای مانند سرمایه‌ی انسانی و تراکم جمعیت. در این مفهوم این رویکرد شباهت زیادی به (تز تمدن و بریها) دارد؛ مبنی بر اینکه تمدن‌ها یا فرهنگ‌های خاصی، در توسعه‌ی اقتصادی به مفهوم سرمایه‌داری آن، مستعدتر از دیگران هستند (Gossling & Rutten, 2007: 254).

سابقه‌ی تاریخی پیدایش این رویکرد را می‌توان با مباحث توسعه‌ی اقتصادی مرتبط دانست. سابقه‌ی آن به طرح قطب‌های رشد^۲ در نظریات پرو^۳ و علیت انباشتی^۴ متعلق به میردال^۵ و نظرات هیرشمن^۶ برمی‌گردد. نظریه‌ی قطب رشد به مفهوم امروزی آن، نتیجه‌ی نظرات سه اقتصاددان فوق بوده است. به عنوان نمونه "پرو" واژه قطب رشد را در مورد بازتاب فضای رشد اقتصادی به کار برد. "پرو رشد پایدار اقتصادی را در گرو تمرکز صنایع پیشاهنگی می‌دید که باقی اقتصاد را به تحرک واداشته و خود نیز پیامد انتشار نوآوری هستند" (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۲۰۳). به‌طور کلی نظریه‌ی قطب رشد، بر سرمایه‌گذاری کلان در صنایع، در بزرگترین شهرها تأکید داشته و در فرآیند توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی برای شهرها جایگاه ویژه‌ای قایل است.

"جغرافیدانان نیز در اصل بر مشخصات سنتی منطقه مانند زیرساخت، نوع و تعداد شرکت‌ها در یک منطقه تأکید می‌کنند، درحالی‌که شناخت مجدد اهمیت روابط میان سازمانی و اهمیت شبکه‌ها و نقش عوامل اجتماعی در کارایی شبکه‌ها مانند اعتماد، رویکرد محیط نوآور را جهتی تازه بخشیده است" (Gossling & Rutten, 2007: 254).

از طرف دیگر برخی صاحب‌نظران ویژگی‌های منطقه‌ای را فقط منحصر به دارایی‌های مادی^۷ می‌دانند. در حالی‌که بسیاری از بسترهای مادی و فیزیکی مانند زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقل و به‌طور کلی فن‌آوری‌ها و حتی سرمایه‌ی انسانی جزو دارایی‌های مادی به حساب می‌آیند، اما هنجارها و قواعد، نهادها، فعالیت‌های فرهنگی، هنر و... و بطور کلی بسترهای اجتماعی فرهنگی که جزو دارایی‌های غیرمادی^۸ به حساب می‌آیند در رویکرد محیط نوآور جایگاه ویژه‌ای دارند. در جدول یک بسیاری از متغیرهای تأثیرگذار بر نوآوری در یک منطقه و شاخص‌های سنجش آن مطرح گردیده است:

-
- 1- Innovative milieu approach
 - 2- Growth poles
 - 3- Perroux .F
 - 4- Cumulative Causation
 - 5- Myrdal.G
 - 6- Hirshman
 - 7- Tangible assets
 - 8- Intangible assets

جدول ۱: متغیرهای تأثیرگذار بر نوآوری در یک منطقه

شاخص‌ها	متغیرها
سرانه‌ی تولید ناخالص منطقه‌ای ^۱ ، برابری قدرت خرید	ثروت
درصد افزایش تولید ناخالص منطقه‌ای	رشد اقتصادی
هزینه‌ی تحقیق و توسعه به عنوان درصد (GRP) (داده) ثبت اختراعات بر حسب هر یک میلیون نفر (خروجی)	نوآوری
درصد افراد خارجی در جمعیت	ذوب فرهنگی
درصد نیروی کار با تحصیلات عالی	استعداد ^۲
درصد مشاغل موجود در بخش خدمات دانش محور در کل نیروی کار	خدمات متمرکز بر دانش ^۳
تراکم جمعیت (افراد مقیم بخش بر کیلومتر مربع)	شهرنشینی

Gossling & Rutten, 2007: 256

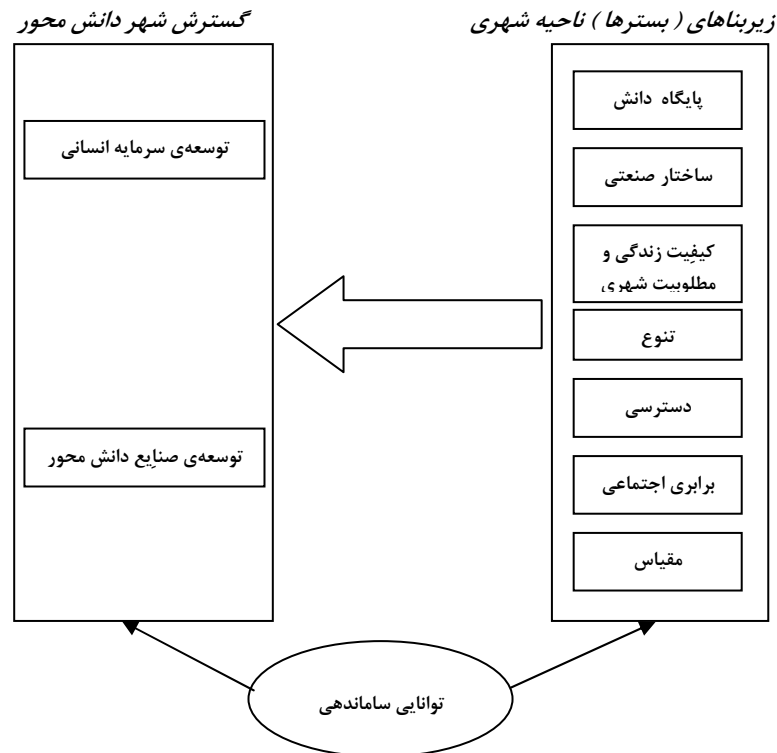
رویکرد دیگر مکمل رویکرد محیط نوآور به جایگاه شهرها در اقتصاد دانش محور امروز اختصاص دارد. به عبارت دیگر بسیاری از بسترهای اجتماعی و فرهنگی شهر خلاق در دل بسترهای شکوفایی شهرها در اقتصاد دانایی محور نهفته است. در این رویکرد به آرایه‌ی یک مدل تحلیلی برای توسعه‌ی شهرهای مبتنی بر اقتصاد دانش اشاره شده (نمودار شماره یک) که چند مورد از این بسترها اجتماعی و فرهنگی هستند.

صاحب‌نظران دیگر مانند فلوریدا و نایت، بسیاری از مسایل و رویکردهای شهر خلاق و محیط نوآور را در قالب فرهنگ و هنر مطرح نموده‌اند. به عنوان نمونه نایت (Knight:2005) منابعی را مطرح می‌کند که به نوآوری در یک‌شهر کمک می‌کند. وی در مطالعه‌ای که در مورد توسعه دانش محور برای ۲۰ شهر اروپا انجام داده به ۶ نوع از منابع دانش اشاره می‌کند که در پیمایش مورد نظر به ترتیب اولویت رتبه‌بندی شده‌اند. نایت معتقد است که برای اینکه یک شهر نوآور باشد، باید منابع خاصی در اختیار داشته باشد. وی پس از اینکه منابع دانش (بسترها) را برای یک شهر برمی‌شمارد، یکی از مهمترین این منابع را خلاقیت در هنر و فرهنگ می‌داند. منابع دانش برای نوآوری در یک شهر بر اساس مطالعه‌ی مذکور عبارتند از:

– علم و فن‌آوری (شامل دانشگاه‌ها و مؤسسات خصوصی و عمومی تحقیق و توسعه)، بازرگانی، بانکداری، بیمه صنعت و تولید دانش عملی، مدیریت و هماهنگی (ملی و بین‌المللی)، فرهنگ و هنر و خلاقیت در هنر و فرهنگ.

به‌طور کلی نایت معتقد است که منابع دانش برای نوآوری در یک شهر ریشه‌ی فرهنگی دارد.

1- GRP
2- Talent
3- KIS



نمودار ۱: مدل تحلیلی بسترهای شهرهای مبتنی بر اقتصاد دانایی
Winden & et al 2007:529

- تنوع اجتماعی^۱

از میان بسترهای تأثیرگذار بر شهرهای خلاق، نوشتار حاضر را به نقش تنوع اجتماعی اختصاص داده‌ایم. جهت بررسی و فهم بیشتر تنوع شهری ابتدا باید به مفهوم جامعه‌شناختی تنوع اجتماعی پرداخت. در این مفهوم ما مسأله ناهمگونی و تکثرگرایی فرهنگی را در تئوری-های جامعه‌شناسی معادل مفهوم تنوع به کار برده‌ایم که یکی از بسترهای بنیادی شهرهای خلاق و جامعه دانایی به شمار آمده است. صاحب‌نظران متعددی در مورد مفهوم تنوع اجتماعی سخن گفته‌اند.

مارتین آلبرو جامعه را "محل تنوع و گوناگونی اجتماعی" در نظر گرفته و مفهوم تنوع اجتماعی را در ارتباط با فرآیند جهانی شدن طرح می‌کند. آلبرو معتقد است که هم جامعه-شناسان و هم اقتصاددانان برای ایجاد چارچوب بسیاری از مفاهیم خود در دوران جدید، باید مرجع خود را از چارچوب ملی به چارچوبی جهانی تغییر دهند (Albrow, 2001).

1- Social Diversity

وجه مشترک صاحب‌نظرانی که در مورد تنوع اجتماعی به بحث پرداخته‌اند مفهوم تمایز اجتماعی است. به عنوان نمونه آلبرو معتقد است که تنوع اجتماعی مفهوم جدیدی نیست و در مفاهیم سیاسی معاصر، تنوع به تفاوت‌ها و تمایزات اجتماعی میان مردم اشاره دارد. "تنوع شامل دو مفهوم متفاوت است که در ساختار اجتماعی براساس تمایز بنا شده‌اند: ناهمگونی^۱ که در بدو امر به عضویت در گروه‌های مختلف اشاره دارد و نابرابری^۲ که افراد را بر اساس چند ملاک و معیار طبقه‌بندی می‌کند" (Albrow, 2001:155).

(استیونس و همکاران) نیز در نوشتاری با عنوان "تنوع اجتماعی و جامعه‌ی خلاق در قرن ۲۱" مفهوم تنوع اجتماعی را براساس مفهوم تمایز به‌کار می‌برند. "به‌طور کلی اجماعی به‌وجود آمده که انتظار رونق و رفاه^۳ در قرن بیست‌ویکم احتمالاً بستگی به قدرت نفوذ تنوع اجتماعی به منظور رویارویی با پویایی‌های اجتماعی، اقتصادی و فن‌آورانه خواهد داشت. تأثیر زیاد نیروها در بیست‌سال آینده دو جریان همگرا ایجاد خواهد نمود: اول حرکت به‌سمت جوامع بسیار پیچیده و بسیار تمایز یافته و دوم حرکت به‌سمت پذیرش مجموعه‌ای از اهداف سیاست‌های عمومی که موجب تنوع و پایداری اجتماعی می‌شوند"^۴ (Stevens & et al, 2000: 7).

نکته‌ی بسیار مهمی که در بحث تنوع و تمایزات اجتماعی باید در نظر گرفت این است که تمایزهای ایجاد شده از طریق تنوع اجتماعی مفهومی به مراتب فراتر از پایگاه و منزلت مرسوم افراد جامعه است. اما نویسندگان فوق به‌طور ضمنی افزایش تنوع اجتماعی و تمایزات اجتماعی را مربوط به چند جریان مرتبط با هم و در حال ظهور می‌دانند: حرکت از همشکلی به‌سوی تمایز، اقتصاد و جامعه دانایی؛ حرکت به سمت بازارهایی که از یک اقتصاد باز و انعطاف‌پذیر برخوردارند و نه بسته و منزوی؛ حرکت از ساختارهای کشاورزی به شهرنشینی صنعتی و در نهایت حرکت از اجتماعات بسته و محدود به‌سمت اجتماعات جهانی براساس وابستگی متقابل.

– ارتباط تنوع اجتماعی با خلاقیت و اقتصاد و جامعه دانایی

تنوع اجتماعی موجب انتقال دانش ضمنی در میان مردم به عنوان حاملان اصلی این دانش و دارایی اصلی جامعه دانایی به‌شمار می‌آید. چرا که "تنوع و گوناگونی ساکنان و کنشگران اقتصادی، منجر به تسهیل ارتباطات متقابلی می‌شود که منجر به تولید ایده‌های جدید می‌گردد (Winden & et al, 2007:532). از طرف دیگر ایده‌ی تنوع اجتماعی در مباحث مربوط به

1- Heterogeneity
2- Inequality
3- Prosperity and Well being
4- Diversity and social sustainability

شهرهای خلاق باعث جذب طبقه‌ی خلاق شده و رشد خلاقیت را به همراه دارد. "استیونس و همکاران" این ارتباط را این‌گونه تشریح می‌کنند:

"این افزایش در گوناگونی، خلاقیت و پیچیدگی، که در مرکز انتقال و حرکت به سمت اقتصاد و جامعه دانایی هستند، پیامدها و علت‌های تمایز و تفکیک اجتماعی^۱ هستند. پیامدها بدین مفهوم که جامعه‌ی امروز، میراثی از تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی را با خود یدک می‌کشد که تا حدی سکوی پرتابی برای خلاقیت به شمار می‌آید. علت تا حد زیادی به ظهور جامعه و اقتصاد دانش مربوط می‌شود که در جهت تقویت تمایز اجتماعی عمل می‌کند. یعنی شامل طیف وسیعی از روابط متفاوت قدرت به لحاظ کیفی می‌شود. به هر روی این بستری پرمخاطره است. یک جامعه‌ی یادگیرنده خلاق^۲، باید راههایی را برای مدارا با کشورها و فرهنگ‌های دیگر در درون خود، نیروهای گریز از مرکز نابرابری و ترس از گسترش تمایزات میان مردم بیابد (Stevens & et al, 2000:14).

- تنوع شهری^۳ و شاخص‌های سنجش آن

برخی صاحب‌نظران برای شهرهای قرن ۲۱ چند ویژگی اساسی در نظر گرفته‌اند (Stem & Seifert, 2007) که یکی مهمترین آنها افزایش تنوع اجتماعی است. تنوع شهری از انواع تنوع به شمار آمده است. در این رابطه کار شاخص و سرآمد ریچارد فلوریدا و بحث‌هایی که در مورد شهرهای خلاق مطرح نموده است از اهمیت زیادی برخوردار است.

فلوریدا (2005) اشاره می‌کند که در مطالعه‌ی خلاقیت و شهرها سه فاکتور را باید با یکدیگر در نظر بگیریم. فن‌آوری، استعداد و مدارا. وی یکی از شاخص‌های سنجش مدارای منطقه را تنوع در نظر می‌گیرد. فلوریدا^۴ تنوع را به عنوان وسیله‌ی سنجش درجه باز بودن یک نظام در نظر می‌گیرد. مکان‌هایی که گروه‌های مختلف و متنوع افراد را (بر اساس قومیت، ملیت، جنسیت و...) جذب می‌کنند، مرزهای ساده و راحتی برای ورود افراد خلاق و بااستعداد دارند. فلوریدا در پاسخ به این‌که چرا شهرها باید دارای تنوع و مدارا باشند معتقد است: "محیط‌های شهری مساعد و مطلوبند، زیرا آنها بیشتر جهان وطن^۵ هستند. یعنی برای پذیرش ایده‌های جدید، باز و گشوده هستند. آنها پذیرای سبک‌های زندگی غیرمتعارف بوده و افراد بااستعداد را که برای نوآوری بسیار مهم هستند، جذب می‌کنند (Gossling & Rutten, 2007).

1- Social differentiation
2- Creative learning society
3- Urban Diversity
4- Florida ·Richard
5- Cosmopolitan

فلوریدا برای سنجش مدارا توجه خاصی به حضور جمعیت‌های خاص در مناطق شهری داشته و بر این اعتقاد است که این مسأله با میزان مدارای منطقه در ارتباط است. وی برای اهمیت تنوع در شهرهای خلاق به رتبه‌بندی پنجاه ناحیه‌ی متروپل به عنوان قطب فناوری در آمریکا اشاره کرده که در شاخص ترکیبی تنوع و حضور افراد غیر بومی در پنج رتبه اول قرار دارند. این نواحی عبارتند از: سانفرانسیسکو، بوستون، سیاتل، واشینگتن و دالاس. از سوی دیگر فلوریدا به رابطه‌ی آماری میان شاخص ذوب فرهنگی (از شاخص‌های سنجش تنوع اجتماعی) و متغیرهای قطب فن‌آوری ($I=0.43$) و حضور استعدادها ($I=0.21$) در منطقه اشاره می‌کند (Florida, 2005: 119). فلوریدا چهار شاخص برای سنجش مدارا در شهرها و مناطق اصلی پیشرفت دانایی آمریکا به کار می‌برد که در اینجا به سه شاخص آن اشاره نموده‌ایم:

شاخص نوگرا^۱

فلوریدا استفاده از شاخص فوق را مربوط به مطالعه‌ی رابرت پارک در سال ۱۹۲۰ می‌داند. رابرت پارک دریافته بود که بین شهرهای موفق و رواج فرهنگ-نوگرایی ارتباطی وجود دارد. فلوریدا از همین اصطلاح استفاده می‌کند و شاخص نوگرا را می‌سازد. این شاخص که از داده‌های سرشماری شغلی استفاده کرده تعداد نویسندگان، طراحان، موسیقی‌دان‌ها، بازیگران، کارگردانان، نقاشان، مجسمه‌سازان، عکاسان و... را در یک ناحیه مورد سنجش قرار می‌دهد. این شاخص مزیتی بر سنجش‌های سنتی مطلوبیت محل دارد، به دلیل این که بطور مستقیم تولیدکنندگان مطلوبیت محل را محاسبه می‌کند (Florida, 2005: 41).

درصد مهاجرین

ذوب فرهنگی به عنوان شاخص سنجش تنوع اجتماعی در نظریات ریچارد فلوریدا بسیار مورد تأکید قرار گرفته و به عنوان درصد جمعیتی که در خارج از آن منطقه متولد شده‌اند تعریف شده است. برخی دیگر (Gossling & Rutten: 2007) آن را به عنوان درصد افراد خارجی در جمعیت در نظر گرفته‌اند.

مدل نظری ریچارد فلوریدا در ارتباط با تنوع را می‌توان بدین صورت ترسیم کرد:

مدارای منطقه ← شهر خلاق ← جذب سرمایه‌های انسانی (خلاق)

تنوع قومی^۱

از مشهودترین شاخص‌های دیگر تنوع اجتماعی می‌توان از تغییر در ترکیب قومی نام برد. در آمریکا، تنوع اجتماعی اغلب مترادف با عضویت در گروه‌های قومی به کار می‌رود اما تعمیم آن به تمامی انواع تمایزات اجتماعی به طور وسیعی پذیرفته شده است (Albrow, 2001). پژوهشگران دیگر (Stem & Seifert, 2007) در کنار تنوع قومی که آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: گروه‌های انحصاری^۲ زمانی از تنوع قومی برخوردارند که در آنها هیچ یک از قومیت‌ها به تنهایی از هشتاد درصد جمعیت فراتر نرود. سه نوع دیگر تنوع شهری مورد اشاره صاحب‌نظران قرار گرفته که عبارتند از: تنوع نژادی، تنوع اقتصادی^۳، تنوع خانواری^۴. این سه به دلایل (مصدقی و مفهومی) در ایران قابل بررسی نیستند.

- سنجش تنوع اجتماعی در ایران

در این پژوهش تنوع اجتماعی برای جامعه‌ی ایران شاید مثل اروپا و آمریکا با استفاده از مطالعات انجام گرفته، به لحاظ مفهومی و مصداقی قابل طرح نباشد. مهم‌ترین کار در این مورد استفاده از چارچوب مطالعات جهانی و انطباق آن با شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی ایران است. با توجه به این‌که مفهوم تنوع اجتماعی از جنبه‌ای دیگر، قابل تعمیم به انواع تمایزات اجتماعی است، شاید بتوان با توجه به شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی در مطالعات آتی، به شاخص‌های دیگر سنجش تنوع اجتماعی دست یافت.

در شهر اصفهان برای سنجش تنوع اجتماعی (شهری) درصد مهاجرت و حضور افراد خارجی و غیربومی و نیز تنوع زبانی در جمعیت مورد سنجش قرار گرفته‌اند. اما به دلایلی چند ضروری است که چند بحث مفهومی در مورد سنجش تنوع اجتماعی در ایران با توجه به مطالعات انجام شده صورت گیرد. در این رابطه مهاجرت و تنوع قومی (زبانی) را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

- بحث نظری مهاجرت و مسأله تنوع اجتماعی در ایران

اگر ما به پدیده‌ی مهاجرت و درصد مهاجران در یک جمعیت به عنوان یکی از شاخص‌های سنجش تنوع اجتماعی بویژه در ایران توجه کنیم، باید چند نکته‌ی اساسی را در این باره با یکدیگر در نظر بگیریم:

1- Ethnic Diversity

2- Block Group

3- Economic diversity

4- Household Diversity

الف: توجه به جنبه‌های مثبت مهاجرت

نگاه جدید به مسأله‌ی مهاجرت و مهاجران و درصد حضور آنها در شهر برای ایجاد یک شهر خلاق مستلزم توجه به بعد مثبت مهاجرت است. عظیمی (۱۳۸۱) در اثر خود با عنوان "مهاجرت از روستا به شهر، نگاهی متفاوت" رابطه مهاجرت را با توسعه کشاورزی، بهبود نحوه معیشت مهاجران بعد از مهاجرت و پدیده‌ی روستایی شدن شهرها را مورد مطالعه قرار داده و با استناد به آمار و اطلاعات پایه نشان می‌دهد که فرآیند مهاجرت برخلاف تصور پدیده‌ای منفی نیست. این مطلب را با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری مورد بررسی قرار داده و از عنوان "تنوع اجتماعی (شهر خلاق) بر فراز نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی شهری" استفاده می‌کنیم.

دیدگاه عمده ما در این مورد، تأکید بر این نکته‌ی مهم است که مسأله‌ی تنوع اجتماعی در دوران اخیر مستلزم نگرشی مثبت نسبت به مسأله‌ی ناهمگونی جمعیت شهری است. این در حالی است که در نظریات گذشته جامعه‌شناسی، ناهمگونی عامل بروز آشفتگی و بی‌نظمی در جامعه همراه با پیامدهایی منفی در نظر گرفته می‌شد، اما امروزه تغییر نگرشی عظیم در این مورد ایجاد شده که در دو محور نظری، مورد بررسی قرار می‌دهیم:

نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی (دوران مدرن)

با توجه به دیدگاه‌های اندیشمندان برجسته‌ی جامعه‌شناسی چون دورکیم، تونیس و زیمل می‌توان به نگرانی‌های آنان در مورد نظم جدید ناشی از زندگی شهر پی برد. لوییس ورث در قالب مکتب شیکاگو انگیزه‌ی اصلی مهاجرت به شهرها را دستیابی به فرصت‌های شغلی می‌داند. ورث در اثر خود "شهرگرایی به عنوان سبک زندگی" سه ویژگی اصلی شهرنشینی را مطرح می‌کند: اندازه جمعیت، تراکم جمعیت و ناهمگنی جمعیت. از نظر ورث "ناهمگونی در بدنه‌ی محکم و نفوذناپذیر ساخت‌های اجتماعی شکاف ایجاد می‌کند و باعث تحرک، بی‌ثباتی، ناامنی و وابستگی افراد به گروه‌های اجتماعی درهم و فرعی با تغییرات زیاد و پی‌درپی اعضا می‌شود" (ساوج و وارد، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

نظریه‌های جدید جامعه‌شناسی (پست مدرن)

در مقابل، مسأله‌ی تنوع اجتماعی و ناهمگنی جمعیت در رویکردهای مربوط به نظریه‌ی پست مدرن با توجه جایگاه و نقش مهم فرهنگ (تکثرگرایی) و در بحث‌های مربوط به "شهر دانایی و خلاق" نه تنها پدیده‌ای منفی ارزیابی نشده بلکه بر اهمیت تنوع اجتماعی به عنوان بستر ظهور خلاقیت و نوآوری نیز تأکید شده است. "دوران پست مدرن همانطوری که باومن،

گیدنز و اینگلهارت خاطر نشان می‌سازند به دلیل ماهیت متفاوت فرهنگ و اهمیت آن در این شکل‌گیری‌ها، باید با طراحی جامعه‌شناسی جدیدی همراه باشد. از مهمترین خصایص این جامعه‌شناسی اعتباربخشیدن به تکثرگرایی است. جامعه‌شناسی پست مدرن اصل را بر تغییرپذیر بودن و بخاطر تکیه‌اش بر فرهنگ بر متکثر بودن و نه هم‌رنگ بودن گذاشته است " (عبداللهیان، ۱۳۷۸: ۸۰). در همین مورد برخی دیگر، به عنوان نمونه (صراف، ۱۳۸۱) خواهان بازنگری در پیش داوری منفی نسبت دادن مشکلات شهری به گردن مهاجران بوده و ضمن اتخاذ رهیافتی واقع‌گرا توسط مدیران شهری و ضمن اثبات مهاجرت در ابعاد کلان، میانه و خرد در سال‌های آتی توسعه‌ی شهرهای ایران، خواهان روی‌آوری به شیوه‌های نوین اداره‌ی شهر است که مشارکت فراگیر اجتماعات محلی و نمادهای مدنی را باعث شده و به توانمندسازی مهاجران و یکپارچه‌سازی آنان در شهر و فرهنگ شهری شود.

ب: تغییر شکل صوری و محتوایی مهاجرت

این مسأله از آن روی قابل تأمل است که حرکت به سمت ایجاد شهرهای خلاق از یک طرف حرکت به سمت توسعه‌یافتگی مناطق شهری و از طرف دیگر نیز به تغییر شکل جابجایی جمعیت اشاره دارد. به نظر قرخلو و حبیبی (۱۳۸۵) جابجایی جمعیت در نقاط شهری در دهه‌ی ۶۵-۷۵ سه برابر نقاط روستایی بوده و غالباً از مناطق توسعه‌نیافته رو به سمت مناطق توسعه یافته صورت گرفته است. به عبارت دیگر مهاجرت را باید فراتر از جریان‌های روستا به شهر در نظر گرفت.

مسأله‌ی دیگر در این رابطه تغییر در نیازها و اهداف مهاجران است. باستانی و ساعی مهر در مطالعه‌ی خود در شهر تبریز به این نتایج اشاره می‌کنند "درحالی‌که مهاجران تازه وارد و مهاجران دهه‌ی ۷۰ نیاز به کمک در زمینه‌ی اسکان را مطرح نموده‌اند، مهاجران قبل از انقلاب بیشتر به نیازهای عاطفی و مالی اشاره نموده‌اند. اهداف و انگیزه‌های مهاجران نیز متفاوت بوده است. مهاجران دهه‌ی ۶۰ و مهاجران قبل از انقلاب به قصد ادامه‌ی تحصیل و پیوستن به خویشاوندان، مهاجران دهه‌ی ۷۰ به انگیزه‌ی اشتغال و مهاجران تازه‌وارد به انگیزه‌ی بهره‌مندی بیشتر از امکانات رفاهی و ارتقای شغلی به تبریز آمده‌اند" (باستانی و ساعی مهر، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

ج: ادغام مهاجران در جامعه‌ی میزبان

مسأله‌ی سازگاری و ادغام (ذوب) مهاجران در جامعه‌ی میزبان از مهم‌ترین جنبه‌های مفهوم تنوع اجتماعی است. به هر حال پذیرفته شدن مهاجران توسط جامعه‌ی میزبان و بالعکس در

ایجاد شهرهای خلاق نقش مهمی دارد. در ایران به نظر می‌رسد که تا رسیدن به شهرهای خلاق بدین مفهوم فاصله‌ی زیادی داریم. این مسأله به تنوع قومی نیز ارتباط دارد. ربانی و همکاران (۱۳۸۳) در مطالعه‌ی خود در شهر قم می‌نویسند "شهر قم (با توجه به فضای مذهبی شهر) شاهد جنبه‌های ناهمگون فرهنگی و نابهنجار قومی بوده و مهاجرپذیر بودن این شهر و مهاجرت بی‌رویه‌ی فقرا و طبقات متوسط به پایین، به شهر، موجب شکل‌گیری شکاف‌های حادی گردیده است. به هر حال حرکت به سمت ایجاد شهرهای خلاق و جامعه دانایی با وجود مردم حاشیه‌نشینان منزوی و فاقد مشارکت، غیرممکن به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه علاءالدینی و امامی در بررسی خود عنوان می‌کنند که "مهاجرت اتباع افغان و عراقی به ایران هر چند که موجب بهبود نسبی وضع مهاجران با توجه به شرایط بحرانی در کشورهای مبدأشان شده است، اما در عین حال آنان را به قشر نسبتاً گسترده‌ی فقیری در حاشیه‌ی شهرهای ایران تبدیل ساخته است. همچنین مهاجرت برون مرزی ایرانیان، کشور را از بهره‌گیری از تحصیلات عالی، مهارت‌های ویژه و سرمایه‌های گسترده‌ی این گروه محروم ساخته است. این امر بی‌شک نتایج نامطلوبی در زمینه‌ی گسترش فقر به همراه داشته است" (علاءالدینی و امامی، ۱۳۸۴: ۱۶۹). بنابراین ایجاد مشارکت فعال و ادغام مهاجران در جامعه‌ی میزبان، نیازمند برنامه‌ریزی شهری و بلندمدت است. جمالی (۱۳۸۱) در ضمن بررسی موضوع سازگاری و تطابق مهاجران (به نظر ما ادغام و مشارکت آنان) به‌ویژه در شهرهای بزرگ، معتقد است که این جریان در فرآیندهای بسیار طولانی و در نسل‌های متعدد بعدی امکان‌پذیر خواهد بود و آنچه که در کوتاه‌مدت حاصل می‌شود رعایت برخی از اصول و قوانین محلی است که برای مهاجر در آغاز زندگی در محیط جدید الزامی است.

نکته‌ی مهم در مورد مسأله‌ی ذوب و ادغام فرهنگی این‌که در تعریف این مفهوم، یک گروه قومی، نژادی، مهاجر و غیر بومی باید در ضمن حفظ هویت فرهنگی خویش در محیط جدید (بویژه در مهاجرت‌های بین‌المللی)، در هویت جدید جامعه‌ی میزبان نیز ادغام شوند. "در واقع تغییرات اساسی در فرهنگ، آداب و رسوم و باورهای مهاجر، وابستگی کامل به فرهنگ و پذیرش قطعی عناصر اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی مهاجرپذیر امری غیرممکن به نظر می‌رسد. در نهایت مهاجران ضمن آنکه ویژگی‌های فرهنگی خود را حفظ می‌نمایند، پاره‌ای از آداب و رسوم مقصد مهاجرت به ویژه بخشی را که برای تثبیت وضع زندگی در محیط‌های جدید لازم است، کسب می‌نمایند و به تناسب شدت وابستگی به مبدأ مهاجرت، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و اعتقادی خود را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند" (جمالی، ۱۳۸۱: ۷۹).

- تنوع قومی، زبانی و سنجش آن در ایران

به چند دلیل به نظر می‌رسد که برای سنجش تنوع قومی در ایران باید از نمادهای آن (به عنوان نمونه زبان) استفاده کنیم :

- کاربرد مفهوم قومیت در غرب برای جامعه‌ی ایرانی نامناسب به نظر می‌رسد. احمدی (۱۳۷۸) در کتاب خود این مسأله را مورد بررسی قرار داده و به انتقاد از گرایش نظری در ایران به کاربرد نظریه‌های مربوط به تبیین قومیت و ناسیونالیسم قوی در غرب که تفاوت‌های ساختاری، اجتماعی، سیاسی و تاریخی با جوامع جهان سوم (خاورمیانه و ایران) دارند، پرداخته و معتقد به تبیین این مسأله با شرایط خاص ایران شده است. در نقد مفهوم قومیت در ایران و تفاوت آن با آمریکا، وی معتقد است، واژه‌ی قومیت در اصل برای مطالعه‌ی یک چارچوب تاریخی خاص، یعنی ایالات متحده‌ی آمریکا وضع شده که در آن گروه‌های مختلف نژادی، زبانی و مذهبی دارای ملیت‌های اولیه‌ی گوناگون بوده‌اند و بر مبنای "نظریه کوره مذاب" (یا ذوب فرهنگی) این گروه‌های قومی و مذهبی سرانجام در فرهنگ و شیوه‌ی زندگی آمریکایی حل می‌شوند .

"قومیت یا هویت قومی از یک یا چند عامل تشریحی مانند دین، مذهب، نژاد، زبان و... تشکیل می‌شود. این عوامل سبب می‌شود تا فرد برای برقراری رابطه با دیگر افراد همان قوم یا گروه (که آن عوامل را دارا هستند) از آن عوامل استفاده کنند. در میان عوامل تشکیل دهنده‌ی هویت قومی، زبان اهمیت ویژه‌ای دارد. هر چند عامل دینی یا منطقه‌ای را نیز در خدمت شکل هویت قومی، نمی‌توان نادیده گرفت (نرسیسیانس، ۱۳۷۵: ۴۸). بر زبان به عنوان نشانگر هویت قومی تأکید شده است. در مواردی خاص ممکن است تأکید بر زبان مهمترین عنصر خودشناسی اعضای یک گروه قرار گیرد... شاید یک دلیل اهمیت زبان، تمرکز جغرافیایی بیشتر آن در مقایسه با مذهب، نژاد و شناسه‌های دیگر قومیت باشد (سیدامامی، ۱۳۸۵: ۱۵۶).

زبان صرفاً به‌عنوان وسیله‌ی ارتباطی به کار نمی‌رود بلکه تعیین‌کننده هویت‌هاست و نماد تفاوت نیز محسوب می‌شود. "هرگاه به زبان از دیدگاه هویت قومی (قومیت) نگاه کنیم به‌عنوان وسیله‌ای صرف برای ارتباط بسیار دور می‌افتیم. متفکرانی چون "فیثمن و ادواردز" بین عملکرد زبان به مثابه‌ی وسیله ارتباطی و عملکرد به مثابه نماد تفاوت، تفاوت فراوانی قایل شده‌اند.

تبدیل زبان بین‌گروهی یا زبان اقلیت به زبان برون‌گروهی یا اکثریت، مسأله‌ای است غیرقابل اجتناب، ولی تبدیل زبان سبب نمی‌شود که قومیت فرد از انظار پنهان بماند. تبدیل زبان باعث ارتباط با جامعه‌ی بزرگتر و آشنا شدن با فرهنگ و افراد اکثریت می‌شود (نرسیسیانس، ۱۳۷۵: ۴۹).

نوع مطالعه و روش تحقیق

از مطالعه‌ی کتابخانه‌ای جهت ارایه چارچوب نظری و از تحلیل داده‌های ثانویه (داده‌های موجود) به همراه بحث مفهومی و تحلیلی جهت بررسی و پاسخگویی به سؤال پژوهش استفاده شده است. آمارهای اصلی از نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۸۵ اخذ شده و سپس محقق اقدام به درصدگیری و رتبه‌بندی استان‌ها و شهرستان‌های استان اصفهان نموده است. به دلیل فقدان آمارهای مربوط به حضور قومیت‌ها در شهر اصفهان، از تنوع زبانی به عنوان شاخص حضور قومیت‌ها استفاده شده است. سؤال عمده‌ای که این نوشتار طرح کرده عبارت از این است که شهر اصفهان تا چه اندازه برای تبدیل شدن به یک شهر خلاق از زمینه‌ها و پتانسیل تنوع اجتماعی برخوردار است؟

یافته‌های تحقیق

به دنبال پاسخ‌گویی به سؤال فوق، سه متغیر درصد مهاجرت، درصد افراد غیربومی و تنوع زبانی در جمعیت، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. جهت مقایسه وضعیت درصد افراد غیر بومی (متولد جای دیگر) برای شهر اصفهان بهتر آن دیدیم که ابتدا آن را در یک وضعیت تطبیقی در مقایسه با سایر استان‌های کشور مورد بررسی قرار دهیم.

۱- بررسی وضعیت حضور افراد غیر بومی و مهاجر در جمعیت

جدول ۲: رتبه‌بندی استان‌های کشور بر حسب جمعیت بومی و غیر بومی

رتبه	متولد جای دیگر (درصد)	استان	رتبه	متولد جای دیگر (درصد)	استان
۱۶	۲۲	لرستان	۸	۳۲	مرکزی
۸	۳۲	ایلام	۸	۳۲	گیلان
۴	۳۸	کهگیلویه و بویراحمد	۱۱	۲۸	مازندران
۶	۳۵	بوشهر	۱۵	۲۴	آذربایجان شرقی
۱۳	۲۶	زنجان	۱۱	۲۸	آذربایجان غربی
۷	۳۴	سمنان	۹	۳۰	کرمانشاه
۱۲	۲۷	یزد	۹	۳۰	خوزستان
۱۲	۲۷	هرمزگان	۱۴	۲۵	فارس
۱	۴۸	تهران	۱۶	۲۳	کرمان
۱۳	۲۶	اردبیل	۱۱	۲۸	خراسان رضوی
۲	۴۰	قم	۱۰	۲۹	اصفهان
۵	۳۶	قزوین	۱۶	۲۰	سیستان و بلوچستان
۹	۳۰	گلستان	۵	۳۶	کردستان
۱۴	۲۵	خراسان شمالی	۱۵	۲۴	همدان
۳	۳۱	خراسان جنوبی	۱۷	۲۰	چهارمحال و بختیاری

مأخذ: نتایج سرشماری ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران

همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده است ملاحظه می‌شود که استان اصفهان در میان استان‌های کشور رتبه‌ی دهم را به لحاظ دارا بودن افرادی که متولد جاهای دیگر هستند به خود اختصاص داده است. استان تهران بالاترین (رتبه یک) و استان چهارمحال و بختیاری پایین‌ترین درصد (رتبه هفده) افراد غیر بومی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳: رتبه‌بندی شهرستان‌های استان اصفهان بر حسب جمعیت بومی و غیر بومی

رتبه	متولد جای دیگر (درصد)	شهرستان	رتبه	متولد جای دیگر (درصد)	شهرستان
۴	۳۰	گلپایگان	—	۲۹	استان اصفهان
۲	۳۳	لنجان*	۸	۲۱	اردستان
۶	۲۶	نایین	۳	۳۲	اصفهان*
۴	۳۰	نجف آباد	۸	۲۱	خمینی شهر
۸	۲۲	نطنز	۱۱	۱۵	خوانسار
۱	۴۸	برخوار و میمه*	۱۱	۱۵	سمیرم
۹	۲۰	مبارکه	۱۰	۱۸	فریدن
۱۴	۱۰	آران و بیدگل	۱۱	۱۵	فریدون شهر
۱۲	۱۴	تیران و کرون	۹	۲۰	فلاورجان
۱۳	۱۱	چادگان	۵	۲۹	شهرضا
۸	۲۱	سمیرم سفلی	۷	۲۳	کاشان

مأخذ: نتایج سرشماری ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران

با توجه به ارقام (جدول شماره ۳) ملاحظه می‌شود که شهر اصفهان پس از شهرستان‌های برخوار و میمه و لنجان بیشترین درصد جمعیت غیربومی را به خود اختصاص داده است. در رابطه با توجیه این مسأله که چرا دو شهرستان لنجان و برخوار و میمه از درصد بالاتری در متولدین غیر بومی برخوردارند، می‌توان گفت، شهرستان لنجان درصد بالایی از متولدین غیر بومی بختیاری را در خود جای داده و برخوار و میمه به دلیل محاسبه‌ی شهرستان شاهین‌شهر (درصد بالای مهاجران) از چنین درصدهای بالایی برخوردار شده‌اند. البته حضور افراد غیربومی در یک جمعیت خاص، صرفاً به معنای وجود تنوع اجتماعی بسیار زیاد نبوده و مستلزم توجه به دو نکته اساسی است: اول این که این امر مستلزم انجام مطالعاتی (به ویژه پژوهش‌های کیفی) است که نحوه‌ی ادغام و مشارکت این گروه‌ها را نیز مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و دوم اینکه ایجادشهرهای خلاق به حضور متغیرهای دیگری (مانند: حضور سرمایه‌های انسانی خلاق، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، فعالیت‌های فرهنگی و هنری، کیفیت زندگی، مطلوبیت محل زندگی و...) بستگی دارد که این امر فی‌نفسه در شهرهای بزرگ قابلیت تحقق بیشتری دارند. اما نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که وجود افراد غیربومی و مهاجر در یک جمعیت (منطقه شهری) بطور بالقوه پتانسیل ایجاد تنوع اجتماعی را به همراه دارد.

جدول ۴: رتبه‌بندی استان‌های کشور برحسب مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته (۸۵-۱۳۷۵)

رتبه	درصد مهاجرین	استان	رتبه	درصد مهاجرین	استان
۱۵	۱/۷	لرستان	۱۲	۲/۱۲	مرکزی
۲۲	۰/۸۱	ایلام	۷	۴	گیلان
۱۹	۱/۲	کهگیلویه و بویراحمد	۶	۴/۲	مازندران
۱۶	۱/۶	بوشهر	۸	۳/۷	آذربایجان شرقی
۲۰	۱/۳	زنجان	۸	۳/۷	آذربایجان غربی
۲۱	۱/۱	سمنان	۱۱	۲/۲	کرمانشاه
۱۷	۱/۵	یزد	۵	۴/۸	خوزستان
۱۳	۲	هرمزگان	۴	۵/۴	فارس
۱	۲۵	تهران	۹	۳	کرمان
۱۶	۱/۶	اردبیل	۲	۷/۶	خراسان رضوی
۱۸	۱/۳	قم	۳	۶/۵	اصفهان
۱۴	۱/۸	قزوین	۱۱	۲/۲	سیستان و بلوچستان
۱۰	۲/۵	گلستان	۱۲	۲/۱	کردستان
۲۱	۱/۱	خراسان شمالی	۱۳	۲	همدان
۲۱	۱/۱	خراسان جنوبی	۲۱	۱/۱	چهارمحال و بختیاری

مأخذ: نتایج سرشماری ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران

همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌گردد استان اصفهان پس از تهران و خراسان رضوی، با رتبه‌ی سوم در بین استان‌های کشور بیشترین درصد مهاجران وارد شده را به خود اختصاص داده است.

جدول ۵: درصد مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته (شهرستان‌های استان اصفهان)

رتبه	مهاجرین (درصد)	شهرستان	رتبه	مهاجرین (درصد)	شهرستان
۸	۲/۱	گلپایگان			
۴	۵/۷	لنجان	۱۲	۰/۹	اردستان
۸	۱/۵	نایین	۱	۴۵/۴	اصفهان
۴	۵/۷	نجف‌آباد	۵	۵/۲	خمینی‌شهر
۱۴	۰/۷۶	نطنز	۱۶	۰/۰۰۴	حوانسار
۲	۱۰/۴	برخوار و میمه	۱۰	۱/۲۴	سمیرم
۷	۲/۹	مبارکه	۹	۱/۳۸	فریدن
۱۰	۱/۲	آران و بیدگل	۱۴	۰/۷	فریدون‌شهر
۱۱	۱/۱	تیران و کرون	۶	۳/۸	فلاورجان
۱۵	۰/۳	چادگان	۷	۳/۷	شهرضا
۱۳	۰/۸	سمیرم سفلی	۳	۶	کاشان

مأخذ: نتایج سرشماری ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران

با توجه به جدول شماره ۵ ملاحظه می‌گردد شهر اصفهان در میان شهرستان‌های استان اصفهان بالاترین رتبه را از نظر درصد مهاجران وارد شده به خود اختصاص داده است.

تنوع قومی

به دلیل عدم وجود آمارهای رسمی و قابل انتشار در این زمینه و نیز دلایلی که در بالا عنوان گردید، تنها استناد ما در این رابطه اشاره به سنجش تنوع زبانی برای سنجش تنوع قومی در مطالعه "رفتارهای فرهنگی ایرانیان" بوده است.

جدول ۶: زبان‌های مورد استفاده در شهر اصفهان

زبان مادری		صحبت کردن		فهم زبان		زبان
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۹۳/۵	۲۰۵۶	۹۱/۷	۲۱۵۷	۸۸/۳	۲۱۷۴	فارسی
۳/۴	۷۵	۳/۲	۷۵	۴/۴	۱۰۹	ترکی
۰/۶	۱۳	۱/۱	۲۷	۳/۱	۷۶	عربی
۲/۴	۵۳	۲/۶	۶۲	۲/۵	۶۳	لری و لکی
-	-	۱/۳	۳۱	۱/۵	۳۸	انگلیسی
۰/۰۴	۱	۰/۰۴	۱	۰/۰۸	۲	کردی
٪۱۰۰	۲۱۹۸	٪۱۰۰	۲۳۵۳	٪۱۰۰	۲۴۶۲	جمع

مأخذ: رفتارهای فرهنگی ایرانیان، ۱۳۸۱: ۱۹

همانطور که گفته شد در مورد تنوع قومی از شاخص نوع زبان استفاده شده است. در مطالعه‌ی رفتارهای فرهنگی ایرانیان در مورد استفاده از شاخص مذکور (همان‌طور که مورد تأکید پژوهش حاضر است) چنین آمده است:

سؤالات مربوط به فهم و صحبت کردن از آن جهت مطرح شده که مهمترین ابزار در عرصه‌ی فرهنگ و مصرف آن زبان است. به همین جهت در استفاده از کالاهای مختلف می‌تواند نقش داشته باشد. زبان مادری از دو جهت سؤال شده است: از جهت اهمیت آن در درک بهتر فرهنگ مرتبط با یک زبان و هم به عنوان شاخصی برای شناخت خرده فرهنگ‌های قومی و محلی و گروه‌بندی‌های فرهنگی و اجتماعی که در یک شهر وجود دارد. زیرا زبان به عنوان یک مؤلفه‌ی اصلی هر فرهنگ، علاوه بر این که امکان تعامل و تفاهم را فراهم می‌آورد، در شکل دادن به هویت‌های خاص هم نقش دارد. بنابراین می‌توان به عنوان شاخصی برای شناخت گروه‌هایی که پایه‌ی فرهنگی دارند، از آن سود جست. شاید بهتر آن باشد، در پژوهش‌های آینده در شهر اصفهان، به جای استفاده از زبان، به عنوان شاخص تنوع قومی از دیگر مؤلفه‌های تمایز اجتماعی (مانند تنوع لهجه) استفاده شود. به‌طور کلی می‌توان گفت، شهر اصفهان از تنوع قومی به معنای نظری آن برخوردار نیست.

نتیجه

شهر خلاق و نوآور از جمله مباحث جدید در حوزه‌ی مطالعات شهری توسط، جغرافی‌دانان، اقتصاددانان و جامعه‌شناسان در رسیدن به جامعه‌ی دانایی و توسعه‌ی دانایی محور مورد تأکید قرار گرفته است. در این راستا شهر به عنوان محل شکل‌گیری خلاقیت، دانایی، صنایع خلاق و نوآور و اقتصاد دانایی در یک رویکرد ترکیبی در نظر گرفته شده است. اگر بپذیریم که محور تمام موارد فوق حضور سرمایه‌های انسانی خلاق و نوآورند، بنابراین محیط‌های شهری باید از شرایطی برخوردار باشند که بتوانند این سرمایه‌ها را جذب کرده و حفظ نمایند. این مسأله با متغیرهای بی‌شماری در ارتباط است که از جمله آنها مدارای یک منطقه برای ورود افراد خلاق است. ریچارد فلوریدا به سه شاخص فن‌آوری، استعداد و مدارا در مورد شکل‌گیری شهرهای خلاق اشاره می‌کند. از شاخص‌های سنجش مدارا مفهوم تنوع اجتماعی است. مفهوم شهر خلاق در این نوشتار بر اساس سه محور خلاقیت، صنایع فرهنگی و طبقه خلاق در دو رویکرد محیط نوآور و شهرهای مبتنی بر اقتصاد دانایی به لحاظ مفهومی مورد بررسی قرار گرفته است. در این رویکرد به متغیرهای چندی از جمله، کیفیت و مطلوبیت محل زندگی، برابری اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی و... در ایجاد شهرهای خلاق اشاره شده است. از جمله اینها

مسأله‌ی تنوع اجتماعی است که شامل تنوع شهری نیز می‌باشد. تنوع اجتماعی و ناهمگونی بر طبق نظریه‌های جامعه‌شناسی پست مدرن برخلاف نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی پدیده‌ای مثبت در شکوفایی و مشارکت سرمایه‌های انسانی ارزیابی شده است. از شاخص‌های سنجش تنوع اجتماعی شاخص ذوب فرهنگی است که به حضور افراد خارجی در جمعیت (افراد مهاجر و غیربومی، گروه‌های قومی، نژادی و سایر گروه‌های اجتماعی متمایز) اشاره دارد. مهاجرت در این فرآیند باید به عنوان یک عامل مثبت نگریسته شود نه صرفاً پدیده‌ای دارای پیامدهای منفی. به‌طور کلی می‌توان گفت، شهر اصفهان از نظر مهاجرپذیری از رتبه‌ی خوبی در میان شهرهای استان اصفهان و نیز در میان استان‌های ایران برخوردار بوده و این پتانسیل را در جهت ایجاد شهرهای خلاق داراست. با توجه به داده‌های پژوهش، استان اصفهان ۲۹ درصد جمعیت افراد غیربومی (رتبه دهم) و ۶/۵ درصد مهاجرین کل کشور (رتبه سوم) را در میان استان‌های ایران به خود اختصاص داده است. همچنین در میان شهرستان‌های استان اصفهان، شهر اصفهان ۳۲ درصد جمعیت غیربومی (رتبه سوم) و ۴۵/۴ درصد مهاجرین (رتبه اول) را به خود اختصاص داده است. از تنوع زبانی به جای درصد حضور گروه‌های قومی در شهر اصفهان استفاده شده است. تنوع زبانی در شهر اصفهان وجود نداشته و اکثر جمعیت آن را فارسی‌زبانان تشکیل می‌دهند. نکته‌ای که در اینجا هم به عنوان نتیجه‌گیری و هم پیشنهاد از اهمیت زیادی برخوردار بوده، کیفیت ادغام مهاجران و افراد غیربومی و جذب و مشارکت آنان در جامعه‌ی میزبان است.

این مسأله با انزوای گروه‌های اجتماعی خاص و نیز پدیده‌ی حاشیه‌نشینی گروه‌های مهاجر در تضاد است. البته در ادبیات مربوط به شهرهای خلاق و جامعه دانایی، به سرمایه‌های انسانی متخصص که دارای تحصیلات عالی هستند، اهمیت زیاد و جایگاه محوری داده شده است. در ایران شاید یکی از دلایل عمده‌ی مسأله‌ی حاشیه‌نشینی پایین بودن سطح تخصص و تحصیلات گروه‌های مهاجر به‌ویژه روستاییان به شهرهاست.

از طرف دیگر جذب سرمایه‌های انسانی خلاق، در جهت ایجاد تنوع اجتماعی مستلزم دو جهت‌گیری عمده است: حرکت جامعه به سوی دانایی محوری و انجام مطالعات و پژوهش‌های کمی و کیفی متعددی است (به‌ویژه کیفیت پذیرش مهاجران و خرده‌فرهنگ‌های مختلف توسط اصفهانی‌ها) که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعد مورد توجه قرار گیرد. در این پژوهش تنوع نژادی و تنوع خانواری به دلیل عدم انطباق معنای نظری آن با شرایط جامعه‌ی ایران، مورد سنجش قرار نگرفته است.

منابع

- ۱- احمدی، حمید (۱۳۷۸) قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت. چاپ اول. نشر نی.
- ۲- باستانی، سوسن؛ ساعی‌مهر، منیره (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی و مهاجرت و اسقرار در شهرهای بزرگ (مورد مطالعه: شهر تبریز)، مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ششم. شماره ۱.
- ۳- پاپلی‌یزدی، محمدحسین؛ ابراهیمی، محمدمامیر (۱۳۷۸) نظریه‌های توسعه روستایی، چاپ اول. تهران. سمت.
- ۴- جمالی، فیروز (۱۳۸۱) مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز). شماره ۱۸۲.
- ۵- ربانی، رسول؛ افشارکهن، جواد و کلانتری، صمد (۱۳۸۳). بررسی و تحلیل ساختار اجتماعی محلات شهری قم، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی). جلد هفدهم. شماره ۲.
- ۶- ربانی، رسول (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی شهری، چاپ دوم. دانشگاه اصفهان. انتشارات سمت.
- ۷- رفتارهای فرهنگی ایرانیان (۱۳۸۱). یافته‌های طرح پژوهش فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. دفتر طرح‌های ملی.
- ۸- ساوج، مایک. وارد، آلن (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی شهری، ترجمه ابوالقاسم پوررضا. چاپ اول. انتشارات سمت.
- ۹- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۵). قومیت از منظر سیاست‌های هویت، دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره سوم. بهار و تابستان.
- ۱۰- صراف، مظفر (۱۳۸۱). مهاجرت داخلی و مسأله مدیریت شهری با تأکید بر شرایط ایران فصلنامه پژوهشی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری. شماره ۱۰. تابستان.
- ۱۱- عبداللهیان، حمید (۱۳۷۸) روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی، روش شناخت جامعه نو. نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۳. بهار و تابستان.
- ۱۲- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱). مهاجرت از روستا به شهر، نگاهی متفاوت، فصلنامه پژوهشی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری. شماره ۱۰. تابستان.
- ۱۳- علاءالدینی، پویا؛ امامی، یحیی (۱۳۸۴). جهانی شدن، مهاجرت و فقر در ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی. سال پنجم. شماره ۱۸. پاییز.
- ۱۴- قرخلو، مهدی؛ حبیبی، کیومرث (۱۳۸۵). تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۸۱. تابستان.
- ۱۵- نتایج تفصیلی سرشماری سال (۱۳۸۵) مرکز آمار ایران.
- ۱۶- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۷۵). بررسی چند زبان‌گونگی در شهر تهران، نامه علوم اجتماعی. شماره ۸.

- 17- Albrow, Martin(2001)" Society as Social Diversity : The Challenge for Governance in the Global Age " Chapter 6 ,OECD.
- 18- Costa, Pedro and Miguel, Magalhaes. Bruno Vasconcelos . Gustavo Sugahara. (2007.) " A discussion on the governance of Creative Cities : some insight for policy action" .Norwegian Journal of Geography . Vol .61.
- 19- Florida, Richard (2005) : " Cities and creative class " . Routlodge. UAS.
- 20- Gossling, T & Rutten, R (2007). " Innovation in regions", European planning studies, Vol. 15, No .2, February.
- 21- Knight v. Richard, (2005): knowledge – based development :policy and planning implications for cities .Urban studies ,Vol . 32, No.2 .
- 22- Stern, Mark J and Seifert, Susan c (2007). "Culture And Urban Revitalization "A Harvest Document University of Pennsylvania , A Collaboration of social Impact of the Arts Project and Reinvestment Funded by the Rockefeller Foundation.
- 23- Stevens, Barrie. & et al (2000). social diversity and creative society of the 21st " Chapter 1, OECD.
- 24- Winden,W.Den berg ,L and Pol , Peter (2007). "European Cities in the Knowledge Economy: Towards a Typology " Urban Studies, Vol. 44, No. 3.